



گزارش خلاصه مدیریتی

**کاربرد رویکرد همبست آب-غذا-انرژی در
دیپلماسی آب و مدیریت مشارکتی و پایدار
رودخانه‌های فرامرزی شرق ایران**

شناسنامه گزارش

<p>خلاصه مدیریتی گزارش کاربرد رویکرد «همبست آب-غذا-انرژی» در دیپلماسی آب و مدیریت مشارکتی و پایدار رودخانه‌های فرامرزی شرق ایران مطالعات بین الملل علم و فناوری</p> <p>خلاصه مدیریتی</p> <p>اول</p> <p>۱۳۹۹/۴/۷</p> <p>حجت میان‌آبادی - سیده زهرا قریشی - حمیدرضا برجسته</p>	<p>عنوان طرح پژوهشی</p> <p>گروه پژوهشی</p> <p>نام گزارش</p> <p>ویرایش</p> <p>تاریخ انتشار اولین نسخه</p> <p>تهیه‌کنندگان</p>
<p>میان‌آبادی، حجت؛ قریشی، سیده‌زهرا؛ برجسته، حمیدرضا (۱۳۹۹). خلاصه مدیریتی گزارش کاربرد رویکرد «همبست آب-غذا-انرژی» در دیپلماسی آب و مدیریت مشارکتی و پایدار رودخانه‌های فرامرزی شرق ایران</p>	<p>نحوه ارجاع به این گزارش</p>

خلاصه مدیریتی

افغانستان یکی از کشورهای تأثیرگذار در منطقه است و نمی‌تواند نقش افغانستان را در رشد، توسعه و تقویت مناسبات سیاسی، اقتصادی و امنیت منطقه نادیده گرفت. متخصصان روابط بین‌الملل معتقدند که آینده کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوبی وابسته به صلح و ثبات در افغانستان است. نوسازی و بازسازی این کشور برای نیل به ثبات در منطقه ضروری است و بدون شک بازسازی در افغانستان تأثیر مثبتی بر مناسبات اقتصاد، امنیتی، محیط‌زیستی، اجتماعی و سیاسی منطقه خواهد داشت.

در طول ادوار مختلف از زمان جدایی افغانستان از ایران، همواره مسأله آب یکی از چالش‌های تعاملات دو کشور بوده است و مناسبات سیاسی و اقتصادی دو کشور بر مسأله آب اثر پذیر/گذار بوده است. تأثیرپذیری و تأثیرگذاری منابع آب مشترک در مناسبات ایران و افغانستان تاجایی حائز اهمیت است که دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران را مجاب ساخته است که ریاست کمیسیون مشترک همکاری های اقتصادی ایران و افغانستان را به وزیر نیرو محول نماید. این پژوهش تلاش دارد تا با استفاده از رویکرد نوین «همبست آب، غذا، انرژی و ترانزیت» راهبرد جدیدی را برای بازتعریف مسأله و مناسبات آبی و هیدروپلیتیکی بین دو کشور ارائه نماید. بررسی تجربیات مختلف بین‌المللی و همچنین تحلیل سیاستی وضعیت دو کشور ایران و افغانستان نشان داد که استفاده از رویکرد همبست‌پیشنهادی می‌تواند ضمن «ایجاد وابستگی متقابل» بین دو کشور ایران و افغانستان و «فرصت‌سازی» از چالش‌ها، برای حل پایدار مسائل منطقه قدم بسیار موثری برداشت و مناسبات هیدروپلیتیکی دو کشور بر سر مسائل آبی را از مناقشه به سمت مشارکت و همکاری سوق داد.

مقدمه

ایران و افغانستان پیوندهای ناگسستنی بسیاری در زمینه‌های تاریخ، زبان، فرهنگ، مذهب و قرابت‌های نژادی دارند. دو کشور همچنین در مناسبات دامنه‌دار تاریخی خود زمینه‌های چالش برانگیز هم داشته‌اند که روابط خوب میان آن‌ها را تحت شعاع قرار داده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مسأله آب و رودخانه‌های مشترک فرامرزی بین دو کشور است. بررسی تاریخ تعاملات آبی دو کشور نشان می‌دهد تسهیم در آب رودخانه‌های مشترک به شدت از مراودات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دو کشور اثرپذیر است. به همین دلیل چانه‌زنی بر سر مسائل فنی نمی‌تواند وضعیت تسهیم آب را در شرایط مطلوبی قرار دهد. بلکه **نیاز است دو کشور با برجسته‌سازی وابستگی متقابلی که به یکدیگر دارند به بازتعریف تعاملات حال حاضر بپردازند.** از این‌روی، این گزارش تلاشی برای تبیین استراتژی بازتعریف‌کننده و تحول‌دهنده به مناقشات آب برای دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران برای اصطکاک‌زدایی سیاسی و همچنین «فرصت‌سازی» در مواجهه با مسائل آبی است.

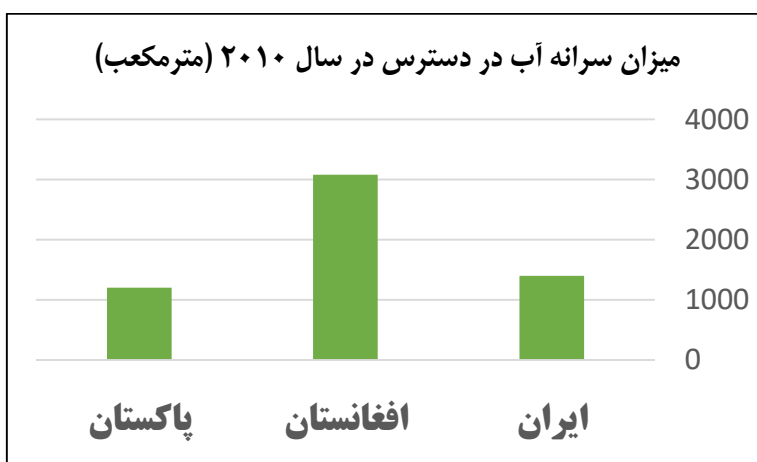
رویکرد همبست آب-غذا-انرژی به مثابه رویکردی کل‌گرایانه، رویکرد نوین و مؤثری برای سیاسی‌زدایی از مسأله آب‌های فرامرزی است. این رویکرد به جای تمرکز بر هر بخش (آب، غذا یا انرژی) بصورت مجزا و در هر کشور ساحلی، می‌تواند بصورت کل‌گرایانه به حکمرانی تعاملات بین بخش‌ها و سیاست‌ها در تمام کشورهای حوضه آبریز مشترک بپردازد و مانع از بخشی‌نگری و چالش‌های حاصل از نگرش تقلیل‌گرایی شود. تدوین استراتژی در مراودات هیدروپلیتیکی با رویکرد همبست به هر کشور ساحلی این فرصت را می‌دهد که به تولید تخصصی کالاها یا خدماتی بپردازد که از منظرهای مختلف شرایط مناسب آن را دارد. در نهایت، کشورهای ساحلی حوضه آبریز فرامرزی می‌توانند با تبادل فرصت‌های تخصصی تولید شده در بخش‌های مختلف شامل انرژی، کشاورزی، خدمات و غیره، وابستگی و تعاملات پایداری را میان خود ایجاد نمایند و فضای بیشتری برای چانه‌زنی بوجود آورند. شواهد و همچنین نتایج مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد می‌توان ادعا کرد مدیریت پایدار مسائل آبی در حوضه‌های آبریز فرامرزی بین‌المللی بدون استفاده از رویکرد همبست امکان‌پذیر نیست. زیرا کشورهای ساحلی پتانسیل‌ها و نیازهای متفاوتی دارند و لزوماً مرزهای سیاسی بشرساخت به این تفاوت‌ها و نیازهای مشترک توجهی نداشته است. اتخاذ رویکرد همبست در نهایت این امکان را فراهم می‌آورد که کشورهای ساحلی بتوانند با استفاده از منافع مشترک تعریف شده به بازتعریف مناقشات خود بپردازند و مناسبات جدیدی میان یکدیگر تعریف کنند.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که بدانیم کشور افغانستان در منطقه امنیتی آسیا، یکی از ضعیف‌ترین واحدهای سیاسی و حاکمیتی است. در بعد اقتصادی، این کشور به شدت وابسته به کمک‌های خارجی است. چنین کشوری که میان کشورهای قدرتمند قرار گرفته است، نیاز به یک ابزار استراتژیک مانند آب دارد تا بتواند در مذاکرات و چانه‌زنی‌ها از آن بهره‌گیرد. این کشور در صدد است تا از تنها مؤلفه‌ای که در مقابل ایران برتری دارد، مسأله آب، بیشترین بهره

سیاسی را ببرد. دولت‌مردان این کشور بطور جد در صدد استفاده از منابع آبی به عنوان یک ابزار سیاسی و کسب قدرت هستند تا بدین طریق اقتدار و مشروعیت خود را در بین مردم کشور خود بهبود و توان چانه‌زنی و قدرت خود را در میان همسایگان نیز افزایش دهند. تا جایی که اشرف‌غنی، رئیس‌جمهور وقت این کشور، ادعا کرده است آب کشور افغانستان با نفت کشورهای همسایه برابر است. توسعه زیرساخت‌های بزرگ مقیاس آبی از جمله سدها و طرح‌های انحراف و انتقال آب، اهداف و آوردهای مهمی برای دولت‌مردان افغانستان می‌تواند در پی داشته باشد. دولت‌های ضعیف عمدتاً در صدد «توسعه» و پیشروی به سوی «مدرنیزه» هستند. توسعه و مدرنیته در پروژه‌های ساخت سد و اصلاحات اراضی نمود یافته است. **توسعه ساخت سد در حوضه‌های آبریز فرامرزی معمولاً برای اهداف سیاسی و ایجاد وابستگی ایجاد و پیگیری می‌شود.** براین اساس، دولت‌مردان افغانستان نیز بطور جد در صدد استفاده از منابع آبی هستند تا بدین طریق، اقتدار و مشروعیت خود را ارتقاء دهند و همچنین قدرت خود را در میان همسایگان نیز بهبود بخشند. این مسأله اهمیت توجه به توسعه یک‌جانبه در حوضه‌های آبریز مشترک میان ایران و افغانستان را دو چندان کرده است.

بررسی رویکرد همبست در مراودات هیدروپلیتیکی ایران و افغانستان

بنابر برآوردهای ارائه شده توسط وزارت انرژی و آب افغانستان در سال ۲۰۱۴، سرانه میزان آب در دسترس در سال ۲۰۱۰ در این کشور حدود ۳۰۸۰ متر مکعب بوده است که این میزان در حوضه هیرمند ۵۳۷۳ متر مکعب بوده است. همچنین پیش‌بینی شده است با افزایش جمعیت افغانستان تا سال ۲۰۴۰ به ۴۶ نفر سرانه میزان آب در دسترس در سال به ۱۶۵۱ متر مکعب کاهش یابد که در آن صورت سرانه آب در دسترس در حوضه آبریز هیرمند به ۲۸۸۰ متر مکعب خواهد رسید. میزان سرانه آب در دسترس در افغانستان در مقایسه با سرانه آب در دسترس با ایران ۱۴۰۰ و پاکستان ۱۲۰۰ متر مکعب، قابل توجه است (نمودار ۱).



نمودار ۱- میزان سرانه آب در دسترس در افغانستان در مقایسه با سرانه آب در دسترس با ایران و پاکستان

کشور افغانستان علی‌رغم بهره‌مندی از منابع آبی نسبتاً مناسب در مقایسه با سایر کشورهای همسایه خود، امنیت آبی ضعیفی دارد. از این‌رو، امنیت آبی و در کنار آن امنیت غذایی افغانستان با چالش‌های جدی مواجه است و رسیدگی به این

بخش‌ها مستقیماً بر امنیت آبی کشورهای همسایه به ویژه ایران اثرگذار خواهد بود. احداث سازه‌های مختلف آبی در افغانستان با هدف تأمین آب شرب (امنیت آبی)، گسترش زمین‌های کشاورزی (امنیت غذایی) و افزایش تولید انرژی برقی (امنیت انرژی) صورت می‌گیرد. براین اساس، نیاز است فرصت‌ها و چالش‌های دو کشور در حوزه‌های مختلف از جمله آب، انرژی، کشاورزی و ترانزیت و تعامل بین دو کشور ایران و افغانستان بر اساس تئوری وابستگی متقابل در روابط بین‌الملل و رویکرد همبست آب-غذا-انرژی، به گونه‌ای تبیین شود که مانع از کنترل مطلق کشور افغانستان بر نیاز حیاتی ایران (منابع آبی دو حوضه هیرمند و هریرود) گردد. از سوی دیگر، اقتصاد ایران در سه دهه گذشته تحریم‌های اقتصادی مختلفی را تجربه کرده است. **محوریت یافتن نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و افزایش درآمد اقتصادی یکی از بایسته‌های ایران برای مواجهه با شرایط ایجاد شده ناشی از تحریم‌های اقتصادی است.** در این شرایط، ایران باید اقدامی انجام دهد تا بتواند با فرصت‌ها و پتانسیل‌هایی که دارد حضور پررنگی در مناسبات و تعاملات با کشورهای همسایه ایفا نماید. با توجه به این مهم، شناخت فرصت‌ها و چالش‌های شرق جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های آب، انرژی، کشاورزی و ترانزیت برای ترسیم نقشه راه مناسبی و حرکت در مسیر پایدار که می‌تواند مبنی بر رویکرد همبست باشد، راهگشا است.

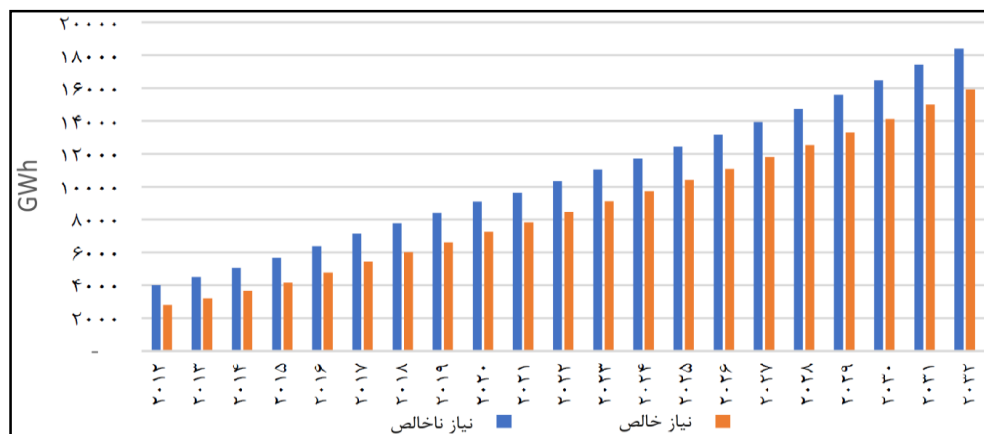
کشور ایران به دلیل قرار گرفتن در کمربند خشک و نیمه خشک جهان در زمره کشورهای با محدودیت منابع آب قلمداد می‌شود. سهم ایران از منابع آب شیرین جهان نسبت به مناطق دیگر در سطح پایین‌تری قرار دارد. در حالی که یک درصد از جمعیت جهان به ایران اختصاص دارد، سهم آن از منابع آب شیرین تنها ۰٫۳ درصد است. ایران، بارشی کمتر از یک سوم متوسط بارندگی جهان و تبخیری سه برابر میانگین دنیا دارد. در حوضه مرزی شرق مقدار بارش کمترین میزان است. مشکلات و چالش‌های معیشتی، محیط‌زیستی و اشتغال در استان سیستان و بلوچستان، بحث جدی آسیب بخش کشاورزی، اضافه برداشت از آب زیرزمینی و فرونشست زمین در خراسان جنوبی و همچنین اهمیت استراتژیک، حضور زائران و شدید استان خراسان رضوی، اهمیت آب را در شرق کشور ما نمایان می‌سازد. **کمبود آب استان‌های شرق کشور تا حدی بوده است که مسئولین استانی و کشوری را به فکر انتقال آب از رودخانه‌های فرامرزی نظیر رودخانه مرغاب در کشور افغانستان، رودخانه آمودریا در کشور تاجیکستان و همچنین کشور ترکمنستان و انتقال آب از دریای عمان انداخته است.** البته این پروژه‌ها تاکنون عملیاتی نشده‌اند و از منظر هیدروپلیتیکی می‌توانند چالش‌های بسیار جدی ایجاد کنند.

نیاز به انرژی در افغانستان و پتانسیل ایران

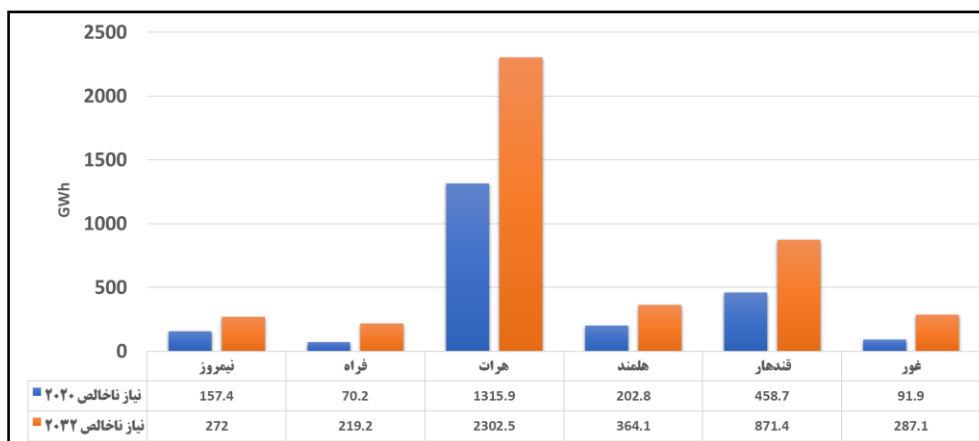
در خصوص امنیت انرژی در افغانستان ذکر این نکته ضروری است که تنها حدود ۳۰ درصد از مردم افغانستان به برق دسترسی دارند. حدود ۲۲ درصد از مصرف برق افغانستان (از کل ۳۰ درصد دسترسی به برق در افغانستان) از تولید داخل این کشور و بیش از ۷۸ درصد از انرژی برق افغانستان از طریق واردات از کشورهای دیگر تأمین می‌شود.

براساس طرح جامع برق افغانستان، که در سال ۲۰۱۳ تدوین شده است، میزان مصرف برق در سال ۲۰۱۱ به عنوان پایه در نظر گرفته شده و در آن سه سناریو برای پیش‌بینی تقاضای آینده این کشور از انرژی خالص، انرژی ناخالص و تقاضای پیک ارائه شده است. براین اساس، پیش‌بینی شده است که **تقاضای خالص** این کشور از ۲۸۰۰ گیگاوات ساعت در سال ۲۰۱۲ به ۱۵۹۰۹ گیگاوات ساعت در سال ۲۰۳۲ افزایش یابد که این میزان نشان‌دهنده میانگین نرخ رشد **سالانه ۹/۸ درصد** است (The World Bank, 2018). همچنین در این طرح پیش‌بینی شده است که **تقاضای پیک** از حدود ۶۰۰ مگاوات در سال ۲۰۱۲ به ۳۵۰۰ مگاوات در سال ۲۰۳۲ که معادل نرخ رشد **حدود ۸/۶ درصد** است، برسد (The World Bank, 2018). در سناریوی دیگری، تقاضای پیک برای سال ۲۰۳۲، ۴۳۰۰ مگاوات پیش‌بینی شده است (Fichtner, 2013). این در حالی است که افغانستان در حال حاضر تنها ۳۰۰ مگاوات از کل تقاضای برق را در داخل کشور تأمین می‌کند بنابراین حجم تولید باید تا ۱۰ برابر این مقدار افزایش یابد تا به تقاضای تخمین‌زده شده در حدود ۳۰۰۰ مگاوات تا سال ۲۰۲۰ برسد و این مقدار باید تا ۲۰ برابر برای رسیدن به هدف نهایی تا سال ۲۰۳۲ افزایش یابد.

بر اساس گزارش طرح جامع بخش برق افغانستان پیش‌بینی شده است که در سال ۲۰۳۲ مصرف پیک برق در ولایت‌های همجوار با کشور ایران شامل ولایت نیمروز به ۵۲ MW، ولایت فراه به ۴۲ MW، ولایت هرات به ۴۴۰ MW، ولایت هلمند به ۷۰ MW، ولایت فندهار به ۱۶۶ MW، ولایت غور به ۵۵ MW برسد (نمودار ۳). این در حالی است که افغانستان در حال حاضر تنها ۳۰۰ مگاوات از کل تقاضای برق را در داخل کشور تأمین می‌کند. **دولت افغانستان در صدد است که با استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر به ویژه تولید انرژی برقی نیاز، ۹۵ درصد از نیاز خود را تولید نماید که این بطور مستقیم بر کنترل منابع آب فرامرزی این کشور اثرگذار است.** از آنجایی که تقریباً تمام رودخانه‌های بزرگ این کشور با کشورهای مجاور مشترک هستند، کنترل آب در افغانستان به واسطه ساخت سدهای تولیدکننده انرژی برقی، می‌تواند بطور جد امنیت آبی کشورهای همجوار با آن را تحت تأثیر قرار دهد.



نمودار ۲- پیش‌بینی نیاز خالص و ناخالص انرژی برق در افغانستان تا سال ۲۰۳۲ (The World Bank, 2018)



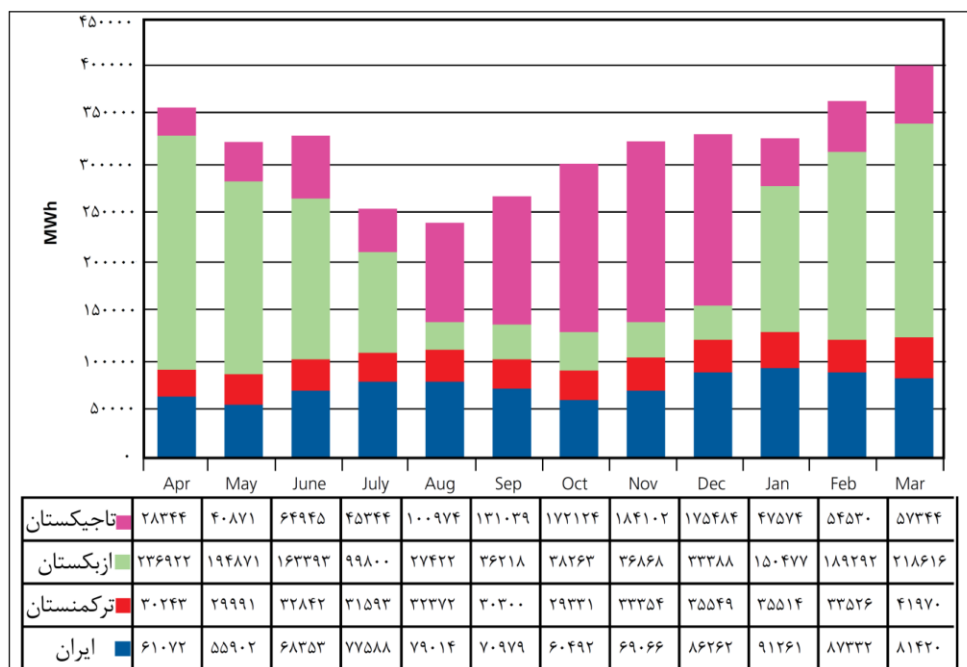
نمودار ۳- تقاضای پیک انرژی ولایت‌های همجوار با ایران

همانطور که ذکر شد هم‌اکنون حدود ۸۰٪ برق افغانستان از منابع وارداتی تأمین می‌شود. در سال ۲۰۱۵ قیمت برق وارداتی ۲۲۱ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۶ به ۲۶۷ میلیون دلار رسید. در حالی که هزینه ساخت سد برق‌آبی در ولایت هرات ۲۷۵ میلیون دلار بوده است. این بدان معناست که کشور افغانستان هر ساله به میزان هزینه ساخت یک سد برق‌آبی هزینه واردات برق را به کشورهای همسایه می‌پردازد. جنبه‌های اقتصادی و مالی انتقال و واردات انرژی نیاز به تحلیل‌های بسیار جدی دارند تا تضمینی بین شرکا ایجاد شود. **واردات انرژی فرصت‌هایی را برای تأمین نیاز این کشور ایجاد می‌کند اما در عین حال می‌تواند منجر به وابسته شدن افغانستان به کشورهای همسایه بشود و توان چانه‌زنی کشورهای صادرکننده انرژی را به شدت افزایش می‌دهد.** در حال حاضر، بیش‌ترین واردات انرژی افغانستان از کشورهای ازبکستان و تاجیکستان صورت می‌گیرد و هیچ منبع جایگزینی برای تأمین برق افغانستان وجود ندارد. از این روی، مقامات افغانستان مجبور هستند که با هر شرایط تجارتي پیرامون هزینه برق موافقت کنند که ممکن است بهترین حالت منافع کشور نباشد. مقامات افغانستان بالاترین قیمت را برای برق ازبکستان می‌پردازند. در نمودار ۴ میزان واردات انرژی در افغانستان بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵ و در نمودار ۵ هزینه واردات انرژی بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ ارائه شده است.

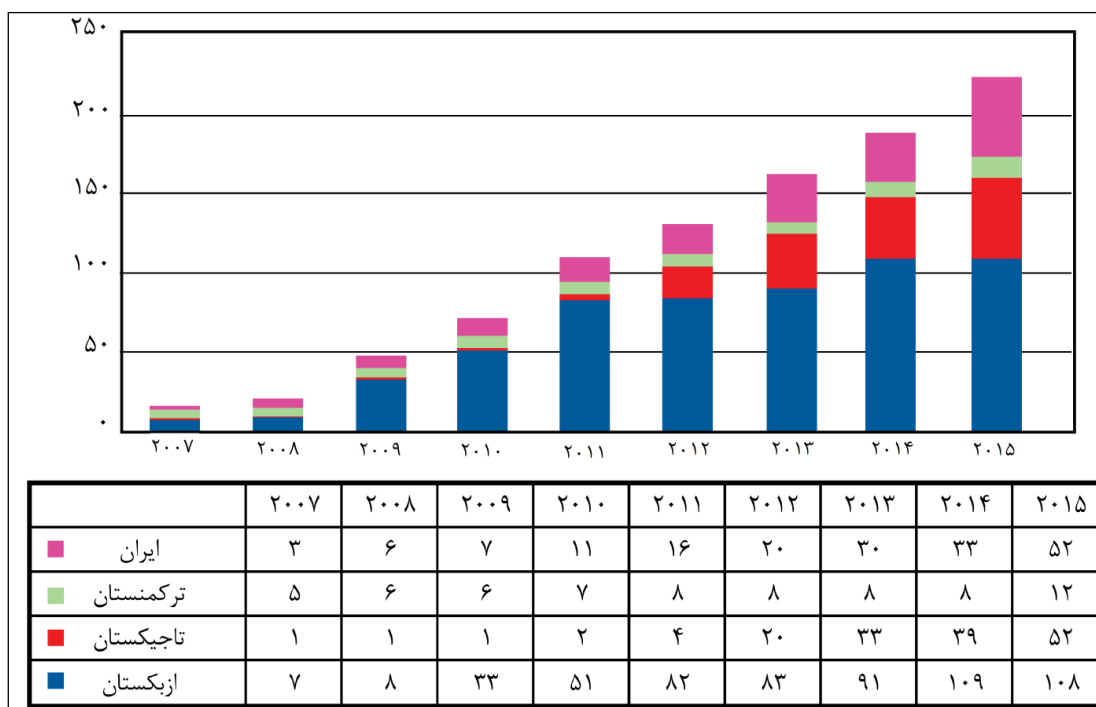
علی‌رغم نیاز بسیار جدی انرژی برق در افغانستان و فرصت‌ها و پتانسیل‌های بسیار گسترده برای تأمین انرژی از ایران، که مهم‌ترین این فرصت‌ها کوتاهی بعد مسافت خط انتقال انرژی برای نواحی جنوبی، غربی و مرکزی افغانستان است، **متأسفانه سهم ایران در تأمین انرژی افغانستان بسیار محدود بوده است.** به بیان ساده، علی‌رغم وابستگی شدید استراتژیک افغانستان برای تأمین انرژی و امنیت انرژی، متأسفانه سرمایه‌گذاری و توجهی در خصوص در دست گرفتن این بخش حیاتی افغانستان و ایجاد وابستگی این کشور به ایران از طرف ایران صورت نگرفته است. این در حالی است که مسأله می‌تواند به عنوان فرصت کلیدی در مناسبات ایران و

۱. این مسئله به تحلیل‌های بسیار گسترده‌ای نیاز دارد که خارج از هدف این گزارش بوده است.

افغانستان برای اثرگذاری بر رویکردها و سیاست‌های ایران در این کشور تبدیل بشود. زیرا افغانستان برای برنامه کوتاه مدت تأمین انرژی مورد نیاز خود واردات انرژی را در دستور کار قرار داده است.



نمودار ۴- واردات انرژی در افغانستان بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵ (مگاوات ساعت)



نمودار ۵- هزینه واردات انرژی افغانستان (میلیون دلار) (DABS, 2015)

هم‌اکنون صنعت برق ایران، تنها برای تأمین نیازهای داخلی فعالیت نمی‌کند و برق، جای خود را میان کالاهای صادراتی باز کرده است. بطوری که امروزه بخش عمده‌ای از صنایع کشورهای همسایه با نیروی محرکه برق ایرانی در چرخش است. انتقال انرژی از ایران می‌تواند به عنوان یک استراتژی مناسب برای همبست مسائل آب و انرژی در سیاست‌گذاری‌های کلان روابط دو کشور ایران و افغانستان قرار گیرد. از این‌رو، شناسایی پتانسیل جمهوری اسلامی ایران برای صادرات انرژی بویژه برق به کشور افغانستان می‌تواند به توسعه کشور همسایه کمک شایانی کند. ضروری است در سیاست‌گذاری‌های کلان و اتخاذ تصمیمات مهم برای برنامه‌ریزی اقدامات استراتژیک و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، نقشه راه مناسبی برای حرکت در مسیر رویکرد مبتنی بر رویکرد همبست در مناسبات و تعاملات دو کشور لحاظ شود و پتانسیل استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی در مجاورت با افغانستان بطور جدی برای صادرات برق به این کشور مد نظر قرار گیرد. در جدول ۱ ظرفیت تخمینی تولید انرژی تجدیدپذیر در شرق ایران ارائه شده است.

جدول ۱- ظرفیت تخمینی تولید انرژی تجدیدپذیر در شرق ایران

نوع نیروگاه	مجموع ظرفیت تخمینی (مگاوات)
ظرفیت تخمینی تولید انرژی تجدیدپذیر در استان سیستان و بلوچستان	
انرژی خورشیدی	۳۷۳۰
انرژی بادی	۷۸۲۰
ظرفیت تخمینی تولید انرژی تجدیدپذیر در استان خراسان جنوبی	
انرژی خورشیدی	۵۱۳۵
انرژی بادی	۳۲۴۰
ظرفیت تخمینی تولید انرژی تجدیدپذیر در استان خراسان رضوی	
انرژی خورشیدی	۴۴۸۵
انرژی بادی	۶۲۱۰

نیاز به ترانزیت در افغانستان و پتانسیل ایران

کشور افغانستان بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی، به منظور رونق تجارت خود کوشید تا روابط با جهان را در تمام زمینه‌ها ارتقاء بخشد. در طرح انکشاف ملی افغانستان نیز دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای این کشور ضروری اعلام شده است. با توجه به رشد تولید ناخالص داخلی افغانستان، این کشور طی سال‌های نیاز روزافزون به ارتباط بیشتر با دنیای اطراف دارد و از این رو راه‌های ارتباطی آن با سایر کشورها از اهمیت دو چندانی برخوردار خواهد بود. افغانستان در تلاش است تا از موقعیت جغرافیایی و ظرفیت

ترانزیتی خود بیشترین بهره را ببرد تا بتواند با استفاده از این پتانسیل، به یک قدرت اقتصادی منطقه‌ای تبدیل شود. این مسأله تا جایی حائز اهمیت است که رییس جمهور افغانستان، محمد اشرف غنی، اعلام کرده است «حکومت وحدت ملی در تلاش است تا افغانستان را به چهار راه ترانزیتی و اقتصادی منطقه تبدیل کند».

تجارت خارجی افغانستان در طول تاریخ از راه‌های ترانزیتی تنگه خیبر و بندر کراچی پاکستان صورت می‌گرفت. اما پاکستان همواره از این راه ترانزیتی به عنوان ابزار و سلاحی علیه افغانستان استفاده کرده است. لذا افغانستان برای توسعه تجارت و نیاز به مسیر ترانزیتی جایگزین، به استفاده از راه‌های ترانزیتی ایران به ویژه بندرعباس و بندر دیگر تمایل نشان داد. از این رو، **افغانستان از اوائل سال ۱۳۴۰ شمسی تلاش کرد تا با ارائه پیشنهاد ۴ مترمکعب در ثانیه حقا به بیشتر برای ایران از هیرمند و نمایاندن و برچسب‌سازی آن به عنوان حسن نیت افغانستان، توجه مقامات ایرانی را به استفاده از راه ترانزیتی جلب نماید و در عوض معاهده‌ای پیرامون تقسیم آب رودخانه هیرمند با ایران انعقاد نماید.** این در حالی است که افغانستان با تمام کشورهای همسایه خود منابع آبی مشترک دارد^۱، اما تاکنون حتی حاضر به مذاکره بر سر بهره‌برداری از منابع آبی خود که به مثابه هویت این کشور است با سایر کشورهای مجاور نشده است و تنها معاهده آبی این کشور بر سر رودخانه هیرمند^۲ و با کشور ایران است.

شواهد متعدد بیانگر آنست که افغانستان تلاش جدی در جهت توسعه بخش ترانزیت خود دارد. افغانستان کشوری محاط در خشکی است و همیشه نیاز دارد تا برای فائق آمدن به چالش‌های ترانزیتی و تجارتی خود، راه جدیدی را برای دسترسی به آب‌های آزاد پیدا نماید. یکی از مسیرهای مبادلاتی افغانستان مسیر بندر چابهار است. استفاده از فرصت تاریخی بندر چابهار برای ایران الزاماتی دارد که اگر درست و به موقع درک نشود و در قبال آن‌ها برنامه‌ریزی صورت نگیرد، بندر چابهار در رقابت با بندر گوادر و همچنین مسیر راه لاجورد، دیگر مسیرهای ترانزیتی مهم برای افغانستان، اهمیت استراتژیک خود را از دست خواهد داد.

بندر چابهار، یکی از بدیل‌های مهم کاهش وابستگی افغانستان به بنادر پاکستان (کراچی، قاسم و گوادر) است. با توجه به عدم امکان مطلوب صادرات و واردات هند و افغانستان از خاک پاکستان، مسئولین و سیاستگذاران در افغانستان تمایل زیادی دارند تا این تجارت از طریق بندر چابهار صورت گیرد. دولت‌مردان کشور جمهوری اسلامی افغانستان مکرراً اذعان داشته‌اند که در صورت فراهم آوردن و تسهیل دسترسی به آب‌های آزاد می‌توانند در خصوص بازتعریف مناقشه و مسأله آب با جمهوری اسلامی ایران مذاکرات بیشتری داشته باشند.

۱. در حوضه آبریز کابل با پاکستان مشترک است این حوضه موقعیت ویژه‌ای دارد به نحوی که هر دو کشور نسبت به دیگری موقعیت کشور بالادست و پایین‌دست را دارند. حوضه آبریز آمودریا که در آن افغانستان یکی از کشورهای بالادست است با قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان مشترک است. حوضه آبریز هریرود و مرغاب که در آن نیز افغانستان کشور بالادست است و با ایران و ترکمنستان مشترک است.

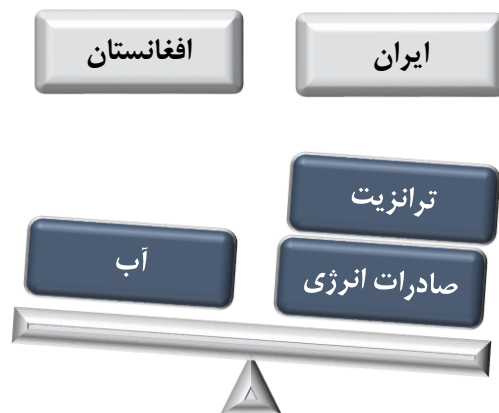
۲. معاهده هیرمند تنها در خصوص رودخانه هیرمند است و در خصوص هیچ یک از سرشاخه‌های مهم این حوضه از جمله فراه‌رود، خاش‌رود، ارغنداب، ادرسکن‌رود و موسی کلا معاهده وجود ندارد. این مسأله به افغانستان فرصت بهره‌برداری یک‌جانبه از این رودخانه‌های مشترک با ایران را نیز فراهم آورده است.

جمع بندی

نتایج بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که استفاده از رویکرد نوین همبست، از پتانسیل ویژه‌ای جهت مدیریت مسائل و مناقشات آبی حوضه‌های آبریز فرامرزی مشترک ایران و افغانستان (هیرمند و هریرود) برخوردار است. مطالعات صورت گرفته نشان داده که استفاده از رویکرد همبست نه تنها توانسته مناقشات بین برخی از کشورهای کرانه حوضه‌های آبریز فرامرزی را مدیریت کند بلکه سطح روابط آنها را از مناقشه به همکاری تبدیل کرده است. کشور ایران برای تأمین امنیت آبی مناطق شرقی خود که به شدت به منابع آب‌های فرامرزی وابسته است پتانسیل‌هایی دارد که با اتخاذ رویکرد همبست در کنار تعامل و دیپلماسی پویا و پایدار با افغانستان می‌تواند این پتانسیل‌ها را به ثمر رساند. با توجه به پتانسیل‌های موجود در شرق کشور (دسترسی به ترانزیت از طریق آب‌های آزاد و تولید انرژی) رویکرد همبست ایران و افغانستان در این گزارش به همبست «آب-انرژی-ترانزیت» تغییر یافته است. در شکل ۱ و شکل ۲ به ترتیب پتانسیل‌ها و نیازهای دو کشور ایران و افغانستان برای شکل‌دهی به تعاملات پایدار پیرامون منابع آب مشترک و در راستای همبست آب-انرژی-ترانزیت ارائه شده است.

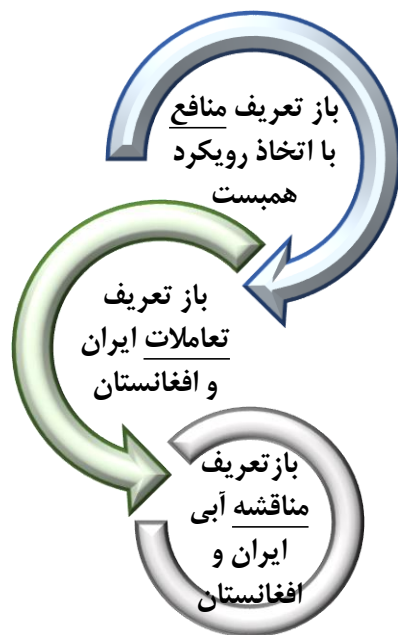


شکل ۱- برخی از نیازهای دو کشور ایران و افغانستان برای همکاری در راستای شکل‌دهی به تعاملات پایدار



شکل ۲- برخی از پتانسیل‌های دو کشور ایران و افغانستان برای شکل‌دهی به تعاملات پایدار

اتخاذ رویکرد همبست برای تبیین تعاملات دو کشور ایران و افغانستان این امکان را فراهم می‌سازد تا دو کشور بتوانند به تولید تخصصی کالاها یا خدماتی بپردازند که شرایط مطلوب آن را دارند و در نهایت با تبادل کالاهای تخصصی تولید شده در بخش‌های مختلف (انرژی، کشاورزی، خدمات)، وابستگی و تعاملات پایداری را میان خود ایجاد نمایند و فضای بیشتری برای چانه‌زنی داشته باشند. اتخاذ رویکرد همبست می‌تواند به منافع‌سازی بین کشورهای ساحلی بیانجامد و این امکان را فراهم می‌سازد که کشورهای ساحلی بتوانند با استفاده از منافع مشترک تعریف شده به بازتعریف مناسبات آبی و به تبع آن مناقشات آبی بر سر منابع آب مشترک بپردازند و مناسبات جدید هیدروپلیتیکی میان خود تعریف کنند (شکل ۳).



شکل ۳- فرآیند بازتعریف مناقشه ایران و افغانستان با اتخاذ رویکرد همبست آب-انرژی-ترانزیت

اتخاذ رویکرد همبست آب-انرژی-ترانزیت برای پاسخ چالش‌ها و برای مواجهه با اختلافات آب‌های فرامرزی ایران و افغانستان بسیار مناسب است، زیرا اتخاذ رویکرد همبست می‌تواند وابستگی‌های متقابلی را میان دو کشور ساحلی ایجاد نماید و به کشور ایران نیز این فرصت را می‌دهد که با صادرات انرژی و فراهم‌آوردن شرایط دسترسی افغانستان به ترانزیت درخواست، بازتعریف مسائل آبی موجود بر سر هیرمند را به نحوی شایسته که تمامی نیازهای شرب، خدمات، محیط‌زیست و کشاورزی شرق کشور را مدنظر قرار دهد ارائه دهد و در خصوص سایر رودخانه‌های مشترک نیز معاهدات متناسبی منعقد نماید. شکل‌گیری وابستگی متقابل میان ایران و افغانستان پیرامون منابع مورد نیاز کشور مقابل، می‌تواند تعاملات پایداری را ایجاد نماید و فضای بیشتری برای چانه‌زنی فراهم آورد.

از این‌رو، این رویکرد می‌تواند برای سیاست‌گذاری و تدوین استراتژی در حوضه‌های آبریز مشترک میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان کارآمد و مؤثر باشد. ضروری است سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران با تدوین استراتژی بر مبنای رویکرد همبست برای مراودات هیدروپلیتیکی و تعیین مؤلفه‌هایی متناسب با ارزش‌های اجتماع پیرامونی، هنجارهای جاری، سیاست‌ها و تخصص‌های فنی و مدیریتی موجود و در کنار فیزیک و طبیعت خاص هر حوضه، منابع مورد مناقشه را از کانون توجهات خارج سازند و در مقابل، دامنه وسیع‌تری از موضوعات برای همکاری و ایجاد وابستگی متقابل در افغانستان ایجاد نمایند و از تعرض و توسعه‌طلبی یکجانبه این کشور در حوضه‌های آبریز مشترک جلوگیری نمایند. زیرا کشور افغانستان تقریباً در تمامی حوضه‌های آبریز مشترک شرق کشور در بالادست قرار دارد و برنامه‌های توسعه‌ای این کشور در بخش‌های کشاورزی و زیرساخت‌های آبی (در حوضه‌های آبریز هیرمند و هریرود)

می‌تواند شرایط اجتماعی، اقتصادی و امنیتی شرق ایران را به شدت دست‌خوش چالش و تغییر کند. در صورت اجرایی شدن برنامه‌های توسعه‌ای افغانستان، ایران حتی از رواناب‌های ناشی از سیلاب‌هایی که افغانستان امروزه قادر به کنترل آن‌ها نیست، بی‌بهره خواهد شد و شرایط در حوضه‌های شرقی ایران بیش از پیش رو به وخامت خواهد گذاشت.

پیشنهاد عملیاتی برای حرکت در راستای رویکرد همبست در دیپلماسی آب

افغانستان یکی از کشورهای تأثیرگذار در منطقه است و نمی‌تواند نقش افغانستان را در رشد، توسعه و تقویت مناسبات سیاسی، اقتصادی و امنیت منطقه نادیده گرفت. متخصصان روابط بین‌الملل معتقدند که آینده کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوبی وابسته به صلح و ثبات در افغانستان است. نوسازی و بازسازی این کشور برای نیل به ثبات در منطقه ضروری است و بدون شک بازسازی در افغانستان تأثیر مثبتی بر مناسبات اقتصاد، امنیتی، محیط‌زیستی، اجتماعی و سیاسی منطقه خواهد داشت. از این‌رو، توسعه افغانستان پیامدهای برای کل در منطقه دارد و این مهم کشورهای مختلف را مجاب نموده تا در بازسازی این کشور نقش آفرینی نمایند.

در طول ادوار مختلف از زمان جدایی افغانستان از ایران، همواره مسأله آب یکی از چالش‌های تعاملات دو کشور بوده است و مناسبات سیاسی و اقتصادی دو کشور بر مسأله آب اثر پذیر/گذار بوده است. تأثیرپذیری و تأثیرگذاری منابع آب مشترک در مناسبات ایران و افغانستان تاجایی حائز اهمیت است که دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران را مجاب ساخته است که ریاست کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و افغانستان را به وزیر نیرو محول نماید. این پژوهش تلاش داشت تا راهبردی برای تبیین فضای برای حضور پررنگ‌تر ایران در افغانستان ایجاد نماید.

تدوین نشست‌ها و پروژه‌های منطقه‌ای در دهه اخیر توانسته افغانستان را از افغانستان محصور در خشکی نجات دهد. در این میان، ایران برخلاف کشورهای ترکیه، هند، چین و تاجکستان، در همکاری‌های منطقه‌ای افغانستان پیشگام نبوده است و تاکنون ایران در هیچ یک از نشست‌ها و پروژه‌های منطقه‌ای از جمله «کنفرانس همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای راجع به افغانستان (ریکا)»، راه لاجورد، راه ابریشم، تاپی و کاسا ۱۰۰۰ سهمیم نبوده است. در این میان، نشست همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای یا ریکا از سال ۲۰۰۵ برای توسعه افغانستان هر دو سال یک بار در کشورهای عضو برگزار می‌شود. این در حالی است که مقامات افغانستان از طریق همین مجراها، گفت‌وگوهای بسیاری در خصوص بهبود مناسبات تجاری افغانستان با کشورهای منطقه صورت داده‌اند. برای نمونه، یکی از پروژه‌های دارای اولویت در ریکا، عملیاتی ساختن موافقت‌نامه بندر چابهار و تقویت دهلیز بین‌المللی ترانزیت چابهار بوده است که در نشست‌های ششم و هفتم ریکا به آن پرداخته شده است. در جدول ۲ تاریخچه کنفرانس ریکا و برخی از پروژه‌های مهم تصویب شده در آن برای کشورهای میزبان ارائه شده است.

جدول ۲- تاریخچه کنفرانس ریکا

شماره نشست	سال	شهر (کشور)	پروژه مهم تصویب شده
اول	۲۰۰۵	کابل (افغانستان)	-
دوم	۲۰۰۶	دهلی نو (هند)	-
سوم	۲۰۰۹	اسلام آباد (پاکستان)	-
چهارم	۲۰۱۰	استانبول (ترکیه)	-
پنجم	۲۰۱۲	دوشنبه (تاجیکستان)	خط انتقال برق و احداث لوله گاز برای نمونه طرح موسوم به «کاسا ۱۰۰۰»
ششم	۲۰۱۵	کابل (افغانستان)	خط آهن سه‌جانبه تاجیکستان افغانستان و ترکمنستان؛ پروژه بندر چابهار
هفتم	۲۰۱۷	عشق‌آباد (ترکمنستان)	پروژه راه لاجورد

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران با ریاست وزارت نیرو و نگاه به بهبود وضعیت منابع آبی شرق کشور، نشست ریکای آتی را برگزار نماید و در آن طرح‌ها و پروژه‌هایی با محوریت همبست برای افغانستان را پی‌ریزی و پی‌گیری نمایند. ایجاد وابستگی متقابل میان کشورهای ساحلی با اتخاذ رویکرد همبست آب-ترانزیت-انرژی عاملی برای بهبود قدرت چانه‌زنی بر سر مسائل آبی با افغانستان خواهد بود.